

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران، میدان فاطمی، خیابان بهرام‌میسری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترت

شنبه ۷ مهر ۱۴۰۳ • ۲۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۶ • ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۹۳۴ • ۱۲ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۱:۵۵ • اذان مغرب ۱۸:۰۱ • اذان صبح فردا ۴:۲۴ • طلوع آفتاب ۵:۵۸

شهرخوانی

کتاب‌ها و تابلوهای بی‌پناه

این روزها ماجرای فروش چند تابلو از موزه امام علی (ع) از سوی شهرداری واکنش برانگیز شده بود که خبر دیگری منتشر شد: چند کتاب از کتابخانه آیت‌الله طالقانی در دست‌فروشی‌ها پیدا شد.

کتاب‌ها: رسول جعفریان در توبیتی نوشت: «امروز تعدادی کتاب با مُهر کتابخانه آیت‌الله طالقانی را در بازار کهنه‌کتاب دیدم. گویا از خانه آن مرحوم که کتابخانه شده و در دست شهرداری است، چطور این کتاب‌ها به این بازار راه یافته است؟ آیا کسی توضیحی دارد؟». این نوشته به‌سرعت واکنش برانگیز شد و به عنوان بی‌مسئولیتی دیگری در شهرداری تهران مورد انتقاد قرار گرفت.

پاسخ خانواده طالقانی: خانواده آیت‌الله طالقانی خیلی زود دراین‌باره واکنش نشان دادند و اعلام شد مدت‌هاست منزل ایشان قفل زده شده و دیگر قابل دسترسی نیست. «طاهره طالقانی» واکنش نشان داد و گفت: «گزارش‌ها از وضعیت خانه پدری می‌گوید که مدت‌هاست بر درش قفل زده‌اند. خانه زیر نظر شهرداری بوده و شهرداری مستقیماً در نگهداری از کتابخانه مسئولیت داشته و درباره تخریب خانه و به غارت رفتن کتاب‌ها باید جواب‌گو باشد». دختر آیت‌الله طالقانی تأکید کرد: «اگر شهرداری نمی‌تواند، بگوید تا ما خودمان از میراث‌مان محافظت کنیم».

سرنوشت تابلوها: علاوه‌بر کتاب‌ها، ناپدیدشدن ۲۹ تابلوی موزه زسرِ نظر شهرداری همچنان نگران‌کننده است. موزه زسر در برابر ارزش این تابلوها اندک است که کمتر کسی این گفته را باور کرده است.

صلح‌خوانی

باز هم کودکان قربانی می‌شوند

این روزها نگرانی برای آغاز جنگ در لبنان هر روز بیشتر و بیشتر می‌شود. اما گویا این بار کشورهای جهان نگران‌اند که این جنگ به مانند جنگ در غزه ادامه‌دار باشد و تنش و تنش در فضای خاورمیانه به سخت‌ترشدن زندگی کودکان بینجامد.

افزایش خشونت برای کودکان

یکی از نهادهایی که برای گسترش جنگ ابراز نگرانی کرده است، دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان است. هیئت‌مدیره این نهاد عمیقاً از تشدید خشونت در خاورمیانه و تهدید گسترش بیشتر آن، ابراز تأسف کرد. در بیانیه‌ای که این نهاد منتشر کرده آمده است:

«در این‌ جنگ نیز مانند همه جنگ‌ها و درگیری‌های مسلحانه، کودکان بیشترین آسیب را می‌بینند. هزاران نفر از آنها کشته یا معلوم می‌شوند و کسانی که باقی می‌مانند، نه‌تنها خانواده، دوستان، خانه، مدرسه و کتابخانه‌های خود، بلکه امیدشان را نیز از دست می‌دهند. همان‌طورکه «شیرین کردیه»، رئیس این نهاد در لبنان، گزارش می‌دهد، کودکان و زنان بسیاری میان کشته‌شدگان هستند و هزاران نفر- به صورت خانوادگی- با خودروهایی مملو از وسایل از جنوب لبنان به بیروت فرار می‌کنند. آینده جهان به طور جدی با سلامت روان کسانی که آن را به ارث می‌برند پیوند خورده است. تا کی قرار است کودکان تحت تأثیر این آسیب‌ها و مجازات‌ها قرار گیرند؟ و زمانی که آنها مسئولیت جهان را برعهده بگیرند، رفتارشان چگونه خواهد بود؟». در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: «ما در IBBY، همراه و برای کودکان ایستاده‌ایم. با ۸۵ شعبه ملی در سراسر جهان و مأموریت‌مان برای پیوندادن کودکان با کتاب‌ها، صدای خود را برای کاهش فوری تنش‌ها و آغاز گفت‌وگوهای صلح بلند می‌کنیم».

کمک‌های مالی

از سوی دیگر، برخی کشورها از لبنان و شرایط پیش‌آمده ابراز نگرانی کرده‌اند. به گزارش بی‌بی‌سی، دولت بریتانیا اعلام کرده پنج‌میلیون پوند معادل حدود ۶٫۵ میلیون دلار به لبنان برای اهداف انسان‌دوستانه کمک خواهد کرد. آن‌طورکه دولت بریتانیا اعلام کرده، این کمک مالی به صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) تحویل داده خواهد شد تا برای «حمایت» از شهروندانی که به علت درگیری‌های میان اسرائیل و حزب‌الله آواره شده‌اند و با «مصائب انسانی اضطرابی» روبه‌رو هستند، هزینه شود. همچنین فرانسه نیز اعلام کرده به لبنان کمک مالی خواهد کرد. خبرگزاری‌های اعلام کرده‌اند که در این چند روز گذشته حداقل ۷۰۰ زن و کودک در لبنان کشته شده‌اند و در یک روز ۵۷۰ نفر جان خود را از دست داده‌اند.

از نشریات قدیمی و شاید قدیمی‌ترین ماهنامه‌ای که انتشار آن از آغاز تاکنون متوقف نشده، «ماهنامه مکتب اسلام» است که از زمان مرجعیت عام آقای بروجردی (رحمه‌الله) برپا شده و تاکنون سه نسل از نویسندگان با آن همکاری داشته‌اند.

نخستین مدیر این ماهنامه «آقا موسی صدر» بود که قلم و بیانی شیوا داشت و بعدها به دلایلی کناره گرفت؛ نه‌تنها از قم، بلکه از ایران سفر کرد و نهایتاً به سوی لبنان رفت و سپس آقای مکارم شیرازی عهده‌دار مدیریت آن شد.

آقای محمود حکیمی تقریباً همان سال‌های اول به این نشریه پیوست و در کنار یادداشت‌های ادبی و نوشتن قصه‌های خواندنی، گاهی نیز به ترجمه مطلب، خیر، گزارش و معرفی کتاب می‌پرداخت. این بخش از نشریه متفاوت بود و خوانندگان بیشتری داشت. خود من نیز از جمله خوانندگان آن بودم و سپس به نوشته‌های دیگران می‌پرداختم و بعدها از خود ایشان شنیدم که آقای مطهری نیز به این نگاهتت‌ها توجه ویژه‌ای داشت.

چگونگی اطلاع از نگاه آقای مطهری، خود بیانگر نکته‌ای دیگر است که ریشه در تواضع آقای حکیمی دارد: «منزل خانوادگی آقای حکیمی در خیابان لرزاده بود و معمولاً بعداز ظهر پنجشنبه‌ها به قم می‌رفت و پیش از رفتن، سری به دفتر آقای مطهری در دانشکده الهیات -در نزدیکی سرچشمه- می‌زد و مطلب و مقاله ایشان را به دفتر مجله مکتب اسلامی می‌رسانید. گاهی هم که هنوز تحریر مقاله کامل نبود، می‌نشست تا آقای مطهری مطلب را تکمیل کند. یک بار آقای مطهری حین دادن یادداشت به ایشان می‌گوید که مقالات محمود حکیمی هم در نشریه خواندنی است و نمی‌دانست که مخاطب او و بیک مجله، همان محمود حکیمی است!».

بعدها مؤسسه دارالتبلیغ اسلامی نشریه دیگری با عنوان «نسل جوان» منتشر کرد که در آنجا نیز آقای حکیمی به نگارش داستان‌های دنباله‌دار پرداخت و مانند همیشه، نگاهتت‌های او نخستین مطلب موردعلاقه نسل ما بود.

به‌واقع آقای حکیمی اولین کسی بود که نوشتن قصه و داستان کوتاه و بلند را در نشریات مذهبی دوره معاصر پایه‌گذاری کرد و به‌راستی این خلأ در ادبیات مذهبی را به‌خوبی تشخیص داد. سپس نه‌تنها این سبک و رشته را ادامه داد، که خود نیز به تحصیل، تحقیق و مطالعه در این زمینه پرداخت و آثار او از او قوت و قدرت بیشتری برخوردار شد.

آن سال‌ها، شمارگان نگاهتت‌های او، از جمله کتاب «سوگند مقدس»، از یک میلیون عبور کرد و آقای مطهری، که خود پدیدآورنده کتاب دوجلدی «داستان راستان» بود، به او گفت این اثر که در آن آموزه‌های

اسلامی را از زبان شخصیت‌های داستانی می‌گوید، تا‌به‌حال در ایران سابقه نداشته است.

در آن روزها، قفسه‌های کتابخانه‌های قشر مذهبی و متدین در خانه‌ها، مساجد، مدارس و حسینیه‌ها از آثار محمود حکیمی خالی نبود و می‌توان ادعان داشت که او از نویسندگان محبوب دهه ۵۰ به شمار می‌رفت.

شغل اصلی او معلمی بود و به جرئت می‌توان گفت هیچ موضوع دیگری در زندگی محمود حکیمی بر معلمی‌اش سایه نینداخت و درحالی‌که می‌توانست در مهم‌ترین مدارس پایتخت تدریس کند، باز هم ترجیح داده بود در «مدرسه نابینایان خزانلی» در خیابان ظهیرالاسلام کار خود را ادامه دهد.

در نزدیکی آن مدرسه، انتشارات سیروس در چهارراه مخبرالدوله بود که از پاتوق‌های آقای حکیمی به شمار می‌رفت. مدیریت آن انتشارات را برادران افجه‌ای برعهده داشتند که با مردم و به‌ویژه اهل فرهنگ، با کمال گشاده‌رویی و صمیمیت رفتار می‌کردند. آنجا پاتوق او بود.

در انتشارات سیروس، به‌جز قرآن‌های نفیس و زیبا و دواوین شاعران با چاپ ممتاز، همچون خیام اسفندیاری (فرزند حاج محشتم‌السلطنه، رئیس مجلس شورای ملی)، کتاب‌های شریعتی، مطهری و بازرگان نیز عرضه می‌شد و کتاب‌های دست دوم نیز در آنجا به فروش می‌رسید. بیشتر کتاب‌فروشی بود تا نشرا!

آقای حکیمی جز آنجا به کتاب‌فروشی دیگری نیز سر می‌زد: «شرکت سهلیمی انتشارا» با مدیریت زنده‌یاد حسن محبوب که با عصا آمدوشد می‌کرد.

در طبقه بالای آن بنا، مرحوم مهندس سبحانی کلاس درس داشت و گاهی هم پایین می‌آمد و کعده‌ای شکل می‌گرفت. خدا رحمت کند آقای محمدابراهیم اقلیدی (مترجم، مصحح و ویراستار مشهور) را که تقریباً به فاصله چند روز پیش از او درگذشت. آقای حکیمی مسائل مربوط به زبان انگلیسی را از او می‌پرسید و معتقد بود درک اقلیدی از تعابیر و لغات انگلیسی از کتاب‌های لغت و فرهنگ به‌راحتی به دست نمی‌آید.

پس از انقلاب، آقای حکیمی به دعوت آقای رجایی (وزیر آموزش‌وپرورش) برای تدوین کتاب‌های تاریخ مدریس در سطح راهنمایی

هنرخوانی

با آزادی اهالی هنر و رسانه موافقت نمی‌شود؟

حبس او گذشته و براساس دو درخواستی که خود ایشان برای اعمال آزادی مشروط -که حق قانونی اوست- داشته، این مسئله از بدیهاتی است که متأسفانه مورد توجه قرار نگرفته است.

او ادامه داد: «میهن‌دوست، حتی درخواست استفاده از پابند الکترونیکی داشته‌که بتواند از زندان آزاد شود، اما متأسفانه باز هم به این درخواست توجهی نشده است. ضمن اینکه، نوید (رضا) میهن‌دوست تنها فرزند خانواده است که در ایران زندگی می‌کند و پدر و مادر او تنها هستند، حتی پدر و مادر نیز در درخواست‌هایی، خواستار عفو و آزادی نوید شده‌اند که به این درخواست‌ها نیز اعتنایی نشده است».

کرامتی ادامه داد: «این درحالی است که به گفته خود نوید، درخواست‌های مشابه این درخواست به طور معمول، ظرف مدت دو هفته از دستگاه قضائی و سازمان زندان‌ها به وزارت اطلاعات ارسال می‌شود و در این پرونده، متأسفانه هیچ پاسخی از ناحیه این وزارتخانه دریافت نشده است. در این پرونده و در بخش عناوین اتهامی به ساخت دو مستند، یکی به نام «تاج خارا» و دیگری، فیلمی به نام «دختران خیابان انقلاب» استناد شده است. این درحالی است که به عنوان نمونه، فیلم تاج خار، پیش از انتخابات سال ۱۳۸۸ ساخته شده



رودخانه «کال‌شور» از معدود رودهای دائمی خراسان شمالی است. گذر این آب از دل کویر و هم‌نشینی آن با اشعه خورشید باعث تشکیل بلورهای نمک می‌شود. مردم این منطقه دو ماه از سال را به برداشت سنتی نمک از «کال‌شور» اختصاص می‌دهند. گذشته از این، مصارف پزشکی جذب گردشگران سلامت را فراهم کرده است. عکس: وحید خادمی، ایرنا

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

مکتب اسلام و محمود حکیمی



احمد مسجدجامعی

مشغول به کار شد و زیرنظر ایشان، این مهم در مدت کوتاهی به سرانجام رسید.

همه اینها باعث شد محمود حکیمی به سوی مطالعات و پژوهش‌های تاریخی کار بردارد که طی آن چندین کار مشهور عرضه کرد: یکی درباره امام حسین (علیه‌السلام) که جایزه‌ای هم بابت آن دریافت کرد و گفت در بین همه کارها و جایزه‌هایم، این یکی ارزش ویژه‌ای دارد؛ زیرا به ذکر جلیل حسین سیدالشهدا (علیه‌السلام) می‌پردازد.

او از هیئت انصارالحسین (علیه‌السلام) سخن می‌گفت که در نوجوانی و جوانی پای ثابت آن بود و آقای هاشمی‌رفسنجانی از منبری‌های آن هیئت شمرده می‌شد که از قم تا تهران برای سخنرانی می‌آمد. محل برگزاری جلسات هیئت در نزدیکی سه‌راه سیروس بود و گمان دارم انتشارات سیروس هم پیش‌ترها اینجا بوده و آشنایی ایشان با کتاب‌فروشی سیروس از آن خیابان حاصل شده است.

کار تاریخی دیگر ایشان، تدوین تاریخ تمدن به زبان ساده برای نوجوانان

در چند جلد بود که به دلیل روانی قلمشمان، عملاً کتاب کمک‌درسی

مدارس شد.

کاری که برای آن خیلی زحمت کشید، کتاب «هزار و یک حکایت تاریخی» است که به جمع‌آوری قصه‌ها، روایت‌ها و داستان‌های بیشینیان پرداخته و آنها را شرح و بسط داده است.

یک بار دوست و پژوهشگر عزیز، آقای بهرامیان حکایتی برایش گفت که البته دل من را هم لرزاند. ایشان گفت: «مردی از یک سردار عرب پرسید: چرا تیغ شما این‌گونه تیز است؟ سردار دست مرد را روی سینه خود گذاشت و گفت: بین آیا حرکتی احساس می‌کنی؟ پاسخ داد: نه! سردار گفت: به همین خاطر تیغ ما تیز است».

آقای حکیمی به قدری این حکایت را پسندید که آن را در کتابش با ذکر

ماخذ نقل کرد و بسط داد.

جای سپس فراوان از آقای امیرخانی است که این اواخر موفق شد خاطرات آقای حکیمی را به تفصیل ضبط کند و انتشار دهد؛ هرچند می‌دانم که در سینه‌اش بیش از اینها حرف‌های گفتنی داشت و شاید آنها را جایی دیگر گفته و نوشته باشد.

اگر بخواهم درباره محمود حکیمی نکته‌های بگویم، آن است که او از جنس مسلمانان سنتی بود و با آنکه تا مرحله اخذ دکتری در لندن تحصیل کرده بود، از آن مدار فاصله نگرفت. جدیدالسلام نبود و با آنها میانه‌ای هم نداشت، از اصحاب قدرت -که با همه آنها از سال‌های دور دوست بود- هیچ تقاضایی نداشت و جز به معلمی و نویسندگی و به گفته خودش، دفاع از اهل بیت (علیهم‌السلام) نمی‌پرداخت. خدایش بیامرز د و به قول منبری‌ها، با مولایشان محشور کند.

اقتصادخوانی

لوازم‌التحریر لاکچری؛

چالشی برای خانواده‌ها

درحالی‌که چند روزی از شروع رسمی سال تحصیلی نگذشته است، لوازم‌التحریر فانتزی و لاکچری با قیمت بسیار بالا توجه دانش‌آموزان را جلب می‌کند. حال پرسش اینجاست که قیمت حدودی این لوازم‌التحریر چقدر است و آیا این نوشت‌افزارها تأثیر مثبتی بر آموزش کودکان می‌گذارند؟

تجارت‌نیوز گزارشی درباره این قیمت‌ها تهیه کرده است.

نکته حائز اهمیت این است که طی سال‌های گذشته، تولید لوازم‌التحریر فانتزی و لوکس باعث شده توجه بیشتر دانش‌آموزان به این نوع لوازم‌التحریر جلب شود و همین امر باعث افزایش هزینه خانواده‌ها شده است. حال باید دید چنین محصولاتی با چه قیمت‌هایی در بازار عرضه می‌شود و چه چالش‌هایی برای خانواده‌ها ایجاد می‌کند؟

بررسی فروشگاه‌های اینترنتی حاکی از آن است که برخی از انواع لوازم‌التحریر فانتزی با قیمت‌های بالایی در بازار عرضه می‌شود. به عنوان مثال، قیمت دفترچه یادداشت فانتزی از ۵۰ هزار تومان شروع می‌شود و به بیش از ۱۲۰ هزار تومان می‌رسد.

قیمت دفتر مشق فانتزی هم از ۱۰۰ هزار تومان شروع می‌شود و تا بیش از ۲۵۰ هزار تومان ادامه دارد. بهای مداد مشکی‌های فانتزی هم بین ۱۵ هزار تومان تا ۷۸ هزار تومان است. البته قیمت اتود و خودکار فانتزی هم به بیش از ۲۰۰ هزار تومان می‌رسد.

درحالی‌که متوسط قیمت تراش، پاک‌کن و جامدادی معمولی در بازار ۱۵۰ هزار تومان است، اما تراش فانتزی با قیمت ۱۲۸ هزار تومان در بازار توزیع می‌شود.

از طرفی برخی از انواع پاک‌کن با قیمت بیش از ۷۰۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. مادرنگی هم جزو محصولات پرمصرف برای دانش‌آموزان است. مادرنگی‌های لاکچری با توجه به نوع برند و تعداد رنگ، تا دو میلیون تومان هم در بازار قیمت‌گذاری شده‌اند. کیف مدرسه هم یک وسیله ضروری است و با توجه به کیفیت و نوع برند، نمی‌توان قیمت ثابتی برای آن تعیین کرد، اما برخی از انواع کیف مدرسه قیمتی نزدیک به هفت میلیون تومان دارند.

بسیاری از کالاها به دلایلی نظیر تورم سالانه، افزایش هزینه‌های تولید و غیره رشد قیمت چشمگیری داشته‌اند؛ لوازم‌التحریر هم از این قاعده مستثنا نیست. نوشت‌افزارهای فانتزی به دلیل طراحی خاص، استفاده از مواد اولیه گران‌قیمت در تولید، نوع برند آنها و غیره قیمت بالاتری نسبت به لوازم‌التحریر معمولی دارند. البته همین طراحی‌های متنوع و جذاب عاملی برای جلب توجه کودکان به این محصولات شده است.

در این بین، جاذبه این نوع لوازم‌التحریر سودجویی برخی تولیدکنندگان و واردکنندگان را هم به دلیل داشته است؛ چنان‌که حتی برخی از این محصولات کیفیت پایینی دارند و صرفاً به دلیل طراحی فانتزی روی جلد دل کودکان را به‌رغم نرخ‌های نجومی، می‌برد.

با توجه به ورود کالاهای لوکس به بازار لوازم‌التحریر همچون مادرنگی‌های دومیلیون تومانی و پاک‌کن‌های ۷۰۰ هزار تومانی، به‌وضوح می‌توان نشانه‌های مصرف‌گرایی را در جامعه مشاهده کرد که نه‌تنها بار آموزشی ندارد، بلکه هزینه مضاعفی برای خانواده‌ها به بار می‌آورد. درواقع چنین محصولاتی با تنوع و جذابیت‌های خاص خود توجه دانش‌آموزان را جلب می‌کنند.

محصولاتی نظیر خودکارهای فانتزی ۲۰۰ هزار تومانی و کوله مدرسه هفت‌میلیون تومانی نمایانگر تغییر الگوی مصرف دانش‌آموزان در جامعه است. در چنین شرایطی مدارس به مکان‌هایی برای رقابت بر سر برند لوازم‌التحریر تبدیل می‌شود. حال سؤال اینجاست که آیا پاک‌کن ۷۰۰ هزار تومانی یا کوله مدرسه هفت‌میلیون تومانی تأثیری برکیفیت آموزش می‌گذارد؟ قطعاً جواب منفی است!

این وضعیت می‌تواند تبعات اجتماعی و اقتصادی زیادی به همراه داشته باشد؛ چراکه فشار مالی ناشی از خرید لوازم‌التحریر لوکس می‌تواند به معضلاتی همچون تنش‌های اقتصادی در خانواده‌ها منجر شود.

رئیس کانون انیوه‌سازان تهران از ساخت خانه در ونزوئلا و سلیمانیه خبر داد. او گفت: «در سلیمانیه عراق پول‌های شرکت‌های ایرانی وصول نشد و برای پرداخت مطالبات پیمانکاران ایرانی پنهان می‌آوردند. بازار ونزوئلا اوایل کل بازار بسیار خوبی بود و هزینه‌ها را با دلار پرداخت می‌کردند اما درحال‌حاضر پرداخت دلاری متوقف شده و هزینه‌ها را به واحد پول کشورشان پرداخت می‌کنند.» او تأکید کرد ایران ۱۰ هزار خانه در ونزوئلا ساخته است.

وزارت فرهنگ و گردشگری ترکیه از ورود ۴۰۳ میلیون گردشگر خارجی خبر داده است. در بین این گردشگران خارجی، ۲.۱ میلیون ایرانی در ۸ ماه اول امسال به ترکیه رفته‌اند. این تعداد گردشگر ۷.۱۱ درصدی نسبت به مدت مشابه در سال گذشته افزایش یافته است. گردشگران روسیه، آلمان، بریتانیا، ایران و بلغارستان بیشترین حضور را در ترکیه دارند.

معاون امور اسناد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اعلام کرده است: «بیش از ۱۴ هزار بدهکار مالی ممنوع‌الخروج شدند. این افراد بدهکار قطعی مالی شامل بدهکاران بانکی، بدهکاران چک‌های برگشتی، بدهکاران مهریه و بدهکاران مشمول ماده ۷۷ قانون شهرداری‌ها بوده‌اند که از طریق واحدهای اجرای اسناد رسمی این سازمان ممنوع‌الخروج شدند.»

۱۰ هزار خانه

۲.۱ میلیون گردشگر

۱۴ هزار بدهکار